

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

سوره مبارکه نصر

آموزش استغفار و تسبیح

گزاره‌هایی از سوره

رسول خدا در سوره:

- محور سوره و مخاطب اصلي آن شخص پیامبر صلی الله علیه و آله است.
- نصر خدا و فتح، دو عنایت ویژه خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله در گسترش کمی و کیفی دین الهی است.
- محوریت پیامبر صلی الله علیه و آله در سوره به معنای محوریت نظام امامت در جامعه است. بدین ترتیب وظایف نامبرده شده وظایفی همگانی به امامت ولیّ الهی است. و تنها در این صورت است که انسان با نصر الهی و فتح روبرو می‌شود.
- امام و ولیّ الهی معلم تسبیح و استغفار است. (رجوع به ادعیه در این زمینه بهترین متن‌های آموزشی برای سیر و سلوک انسان و رسیدن به قرب الهی و رسیدن به نصر و فتح حقیقی هستند).^۱

نصر الهی و فتح:

- تحقق نصر الهی و فتح، به صورت کامل با استقرار تامّ صورت گرفته و به هیچ وجه قابل نقض نیست. (جاء)
- در ازای تحقق نصر الهی و فتح دو وظیفه تسبیح و استغفار در پیش روی پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفته شده است.

^۱ به صحیفه علویه امیرالمومنین علیه السلام رجوع شود.

- نصر به معنای یاری، مقدمه‌ای برای فتح (گشایش) است و گشایش خود نصری دیگر برای مراحل بعدی زندگی است. در واقع فتح با نصر صورت می‌گیرد و خود نصری دیگر برای مراحل و فتح‌های دیگر است.

گرایش عمومی به دین:

- گرایش عمومی به دین از مصادیق نصرت و فتح الهی است و وعده‌ای تحقق یافته است و کسی یارای مقابله با آن را ندارد.
- تسبیح و استغفار از ارکان دین‌داری و روح آن است؛ زیرا پس از رؤیت علنی شدن لازم الاجراست.
- برای حاکمیت عبودیت خالص خداوند در سراسر جهان که با تسبیح و استغفار صورت می‌گیرد، اقامه دین ضروری است.

تسبیح، حمد، استغفار:

- همانگونه که نصر و فتح قرین با هم تحقق می‌یابند، لازم است تسبیح و حمد نیز قرین هم باشند؛ نیز لازم است تسبیح و استغفار با هم صورت پذیرد.
- نسبت بین تسبیح و حمد می‌تواند همانند نسبت فتح و نصر باشد. این نسبت می‌تواند بین استغفار و تسبیح نیز برقرار شود. در این صورت فرد با تسبیح خدای خود استغفار می‌کند و آن استغفار تسبیح دیگری برای او خواهد بود.
- نصر الهی و فتح دو نعمتی است که شکر آن تسبیح و استغفار است.

توآب بودن خداوند:

- توآب بودن خداوند دلیلی در بهره‌مندی انسان از استغفار است.
- از آنجا که بهره‌مندی انسان از استغفار همراه بهره‌مندی او از تسبیح است، توآب بودن خدا به بهره‌مندی انسان از تسبیح نیز مرتبط است.
- از آنجا که تسبیح و استغفار دستوری در برابر نصر و فتح است، توآب بودن خدا با نصر الهی و فتح نیز در ارتباط است.

- با توجه به معنای «توب»، تواب بودن خدا در واقع به معنای اراده و رضایت او در بهره‌مند ساختن انسان از رحمت خاص خود و درک فیض و عنایات ویژه است. شیوه این بهره‌مندی در برنامه‌ای مشخص به نام دین توسط ولیّ حق الهی تبیین شده و در اختیار انسان قرار داده شده است.
- تواب بودن خدا، دلیل توبه انسان و عامل آنست. در این صورت است که انسان می‌تواند به صورت حقیقی خداوند را منزّه از هر نقصی بداند و با حمد او را تسبیح کند.
- در واقع برخورداري انسان از نصر الهی و فتح، و برخورداري او از تسبیح و استغفار، تجلی تواب بودن خداوند است.